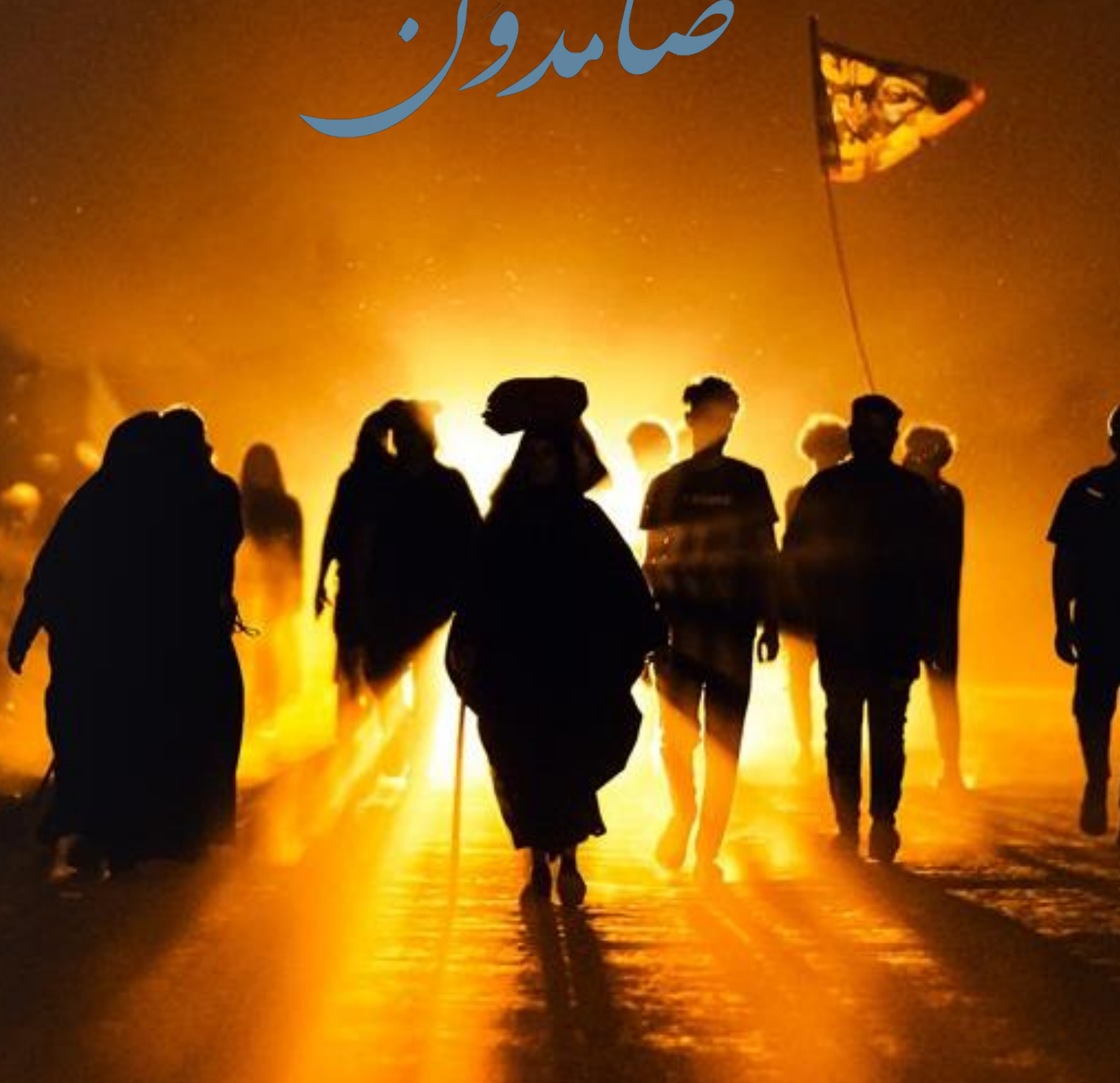


صامدون



نشریه الکترونیکی صامدون | ویژه‌نامه اربعین حسینی

سال اول / شماره دوم / مرداد ۱۴۰۵



فهرست مطالب

- نظر اندیشمندان در رابطه با قیام امام حسین ۳
- هویت اربعین حسینی در منظومه فکری شهید آیت الله خامنه ای ... ۵
- کارکردهای سیاسی اجتماعی و فرهنگی اربعین حسینی ۹
- کارکردهای سیاسی اجتماعی و فرهنگی اربعین حسینی ۱۴
- اربعین با رویکرد منسک شناسی قسمت دوم ۱۹



نظر اندیشمندان در رابطه با قیام امام حسین (علیه السلام) "وقتی امام حسین (ع) ابن

ابی‌الحدید

این دانشمند نامدار اهل سنت، می‌نویسد: «سالار پرشکوه شکست‌ناپذیران روزگار و قهرمان کسانی که در برابر ذلت و تحقیر سر فرود نیاورده، و به عصرها و نسلها درس جوانمردی و شرافت و مرگ پر افتخار را زیر سایه شمشیرهای آخته داد، و آن را بر سازش با بیداد و فریب برگزید، پدر یکتاپرستان گیتی حسین (ع)، فرزند رشید علی (ع) است. استبدادگران اموی به آن شخصیت تسخیرناپذیر و یارانش امان دادند، اما او بدان دلیل که نمی‌خواست در برابر ذلت و بیداد سر خم کند، و نیز بیم آن داشت که اگر با پذیرش امان نامه کشته هم نشود، ذلت بر او و دیگر آزاد منشان رهرو راهش از سوی «عبید» و دیگر خودکامگان سیاهکار و حقیر تحمیل گردد، مرگ پر عزت و افتخار را بر زندگی ذلیلانه برگزید».

علامه محمد اقبال لاهوری

علامه اقبال، اندیشمند، عارف و شاعر پر آوازه پاکستانی، بحق از مفاخر و اندیشمندان اهل سنت در قرون معاصر است.

از میان رهبران اهل سنت، این مصلح بزرگ اسلامی، بیش از دیگران به اهمیت زنده نگه داشتن محرم و عزاداری امام حسین اهتمام ورزید و این موضوع را با قلم و شعر مورد تأکید قرار داد. او در جای جای

دیوان شعر خود از امام حسین (ع) و عشق او به حقیقت و لزوم پیروی از آن حضرت و آموزش آزادی و آزادی از قیام وی یاد می‌کند و سرانجام خود تصریح می‌کند نه تنها آزادی بلکه:

رمز قرآن از حسین آموختیم ز آتش او شعله‌ها افروختیم

تار ما از زخمه‌اش لرزان هنوز تازه از تکبیر او ایمان هنوز

ای صبا! ای پیک دور افتادگان! اشک ما بر خاک پاک او رسان

چارلز دیکنز نویسنده انگلیسی می‌گوید:

«اگر منظور امام حسین (ع) جنگ در راه خواسته‌های دنیایی خود بود، من نمی‌فهمم چرا خواهران و کودکانش را همراه خود برد؟ پس عقل چنین حکم می‌کند که او به خاطر اسلام، فداکاری کرد.

جستیس آ. راسل، شاعر انگلیسی:

... «آنها دهان مبارک امام را با شلاق‌های خود نواختند. ای بدنی که زیر پای ستوران قرار گرفتی، این همان بدن پاکی است که بینندگان را مسحور می‌کرد. خونی که از رگهای مبارک ریخته و خشک شده معجونی آسمانی است که تاکنون هیچ چیزی با چنین رنگ الهی، رنگ نشده است. ای زمین برهنه و بایر کربلا که در روی تو نه علفی است و نه چمنی، برای ابد آهنگ حزن و آه تو بر تو پوشیده باد، چون که در سرزمین تو بدن پاره مقدس پسر فاطمه (س) افتاده است که روح خویش را به خدا تقدیم نمود.

موریس دوکبری، مورخ اروپایی:

«اگر تاریخ نویسان ما حقیقت روز عاشورا را درک می‌کردند، این عزاداری را غیر عادی نمی‌پنداشتند. پیروان امام حسین (ع) به واسطه عزاداری برای امام می‌دانند که زبونی و پستی و زبردستی و استعمار و استثمار را نباید قبول کنند؛ زیرا شعار امام و پیشوای آنان تن ندادن به ظلم و ستم بود. حسین در راه شرف و ناموس و مردم و بزرگی مقام و مرتبه اسلام از جان و مال و فرزند گذشت و زیر بار استعمار و ماجراجویی‌های یزید نرفت. پس بیایید ما نیز شیوه او را سرمشق خود قرار داده و از ظلم یزیدیان و بیگانگان خلاصی یافته و مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت ترجیح دهیم؛ این است خلاصه تعالیم اسلامی». (۴...)

بارتولومو:

وی به مسئله‌ای تازه در تاریخ اشاره می‌کند که از ارتباط ایرانیان با امام حسین (ع) حکایت دارد و آن این که نماینده امام حسین (ع) در پنج فرسخی کوفه در محلی به نام «سلوچی» برای ایرانیان به زبان فارسی سخنرانی و حکومت یزید را برای آنها افشا کرد: «... از روزی که یزید به جای پدر در دمشق نشست، فسق و فجور در دستگاه علنی شد،... درآمد بیت المال فقط صرف پرداخت مستمری کسانی

گردید که می‌توانند وسایل فسق و فجور یزید را فراهم کنند. زنهای بیوه و یتیمانی که شوهر و پدرشان در جنگ کشته شده‌اند، در بلاد گدایی می‌کنند و هیچ‌کس به فکر تأمین زندگی آنها نیست. احترام خانواده نبوت رفته... امام حسین (ع) مشاهده می‌نماید حکومت ظلم و فساد بزودی اسلام را از بین خواهد برد؛ از این رو تصمیم گرفت برای نجات اسلام از ظلم و ستم، اقدام کند.

ویل دورانت:

شیعیان در کربلا در جایی که امام حسین (ع) به قتل رسیده، به یادگار وی زیارتگاه بزرگی ساخته‌اند و هنوز هم هر ساله حادثه غم‌انگیز قتل وی را نمایش می‌دهند و عزاداری می‌کنند و ازیادگار علی و دو فرزندش حسن و حسین (ع) تجلیل به عمل می‌آورند.

سلیمان کتانی:

از دیدگاه این نویسنده، هنوز هم صدای خونخواهی حسین پس از قرن‌ها به گوش می‌رسد: «ای معاویه... پسرت یزید با حسین بنای خشونت و بی‌رحمی را گذاشت، سرش را برید و به عنوان هدیه شیرینی به خواهرش زینب داد. تاجه کربلا بیلید و فریاد شیون از نای شیعه و طرفدارانش بر آید که هنوز هم به خونخواهی حسین بلند است.

توماس کارلایل، مورخ و فیلسوف انگلیسی:

«بهترین درسی که از سرگذشت کربلا می‌گیریم این است که امام حسین (ع) و یارانش ایمانی استوار به خدا داشتند. آنها با اعمال خویش ثابت کردند که در مقام مبارزه حق و باطل، تفوق عددی و کثرت عددی اهمیت ندارد و پیروزی حسین (ع) با وجود اقلیتی که داشت، باعث شگفتی من است

جرج جرداق، دانشمند و ادیب مسیحی:

«آن غیرتمندی که تا این پایه به ناموس مردمان اهتمام می‌ورزید و در حمایت از همسر و خانواده دیگران دمی از مجاهدت باز نمی‌ایستاد، چون در میدان رزم (طف) یکه و تنها ماند و از زخم شمشیر و نیزه و زوبین بر زمین نشست و اوباش کوفه و سربازان مزدور دستگاه حاکم را دید که از هر سو به سرپناه (خیمه) زن و فرزندانش حمله ور هستند، دست پولادین خونین بر آورد و ندا زد که: «هان ای نامردان! اگر دین ندارید، آزادگی را در زندگی فرو مگذارید.

همچنین وی می‌گوید: وقتی یزید مردم را تشویق به قتل حسین (ع) و مأمور به خونریزی می‌کرد آنها می‌گفتند: «چه مبلغ می‌دهی؟»؛ لمّا یاران حسین (ع) به او می‌گفتند: «هلبا تو هستی؛ اگر هفتادبار کشته شویم، باز می‌خواهیم در رکابت جنگ کنیم و کشته شویم».

فردریک جمس:

«درس امام حسین (ع) و هر قهرمان شهید دیگری این است که در دنیا اصول ابدی عدالت و ترحّم و محبت وجود دارد که تغییر ناپذیرند و هم چنین می‌رساند که هرگاه کسی برای این صفات، مقاومت کند و بشر در راه آن پافشاری نماید، آن اصول همیشه در دنیا باقی و پایدار خواهد ماند.

مَهاتما گاندی (رهبر استقلال هند):

من زندگی امام حسین (ع)، آن شهید بزرگ اسلام را به دقّت خواندم و توجّه کافی به صفحات کربلا نموده‌ام و بر من روشن است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد، بایستی از سرمشق امام حسین (ع) پیروی کند.

محمد علی جناح (رهبر بزرگ پاکستان):

هیچ نمونه‌ای از شجاعت، بهتر از آن که امام حسین (ع) از لحاظ فداکاری و تهوّر نشان داد در عالم پیدا نمی‌شود. به عقیده من تمام مسلمانان باید از سرمشق این شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربان کرد پیروی نمایند.

لیاقت علی خان (نخستین نخست وزیر پاکستان):

این روز محرم، برای مسلمانان سراسر جهان معنی بزرگی دارد. در این روز، یکی از حزن‌آورترین و ترازدیک‌ترین وقایع اسلام اتفاق افتاد، شهادت حضرت امام حسین (ع) در عین حزن، نشانه فتح نهایی روح واقعی اسلامی بود؛ زیرا تسلیم کامل به اراده الهی به شمار می‌رفت. این درس به ما می‌آموزد که مشکلات و خطرهای هر چه باشد، نباید ما از آن پروا کنیم و از حق و عدالت منحرف شویم.

ادوارد براون (مستشرق معروف انگلیسی):

آیا قلبی پیدا می‌شود که وقتی درباره کربلا سخن می‌شنود، آغشته با حزن و اَلَم نگردد؟ حتّی غیر مسلمانان نیز نمی‌توانند پاکی روحی را که در این جنگ اسلامی در تحت لوای آن انجام گرفت انکار کنند.

ل. م. بوید

در طیّ قرون، افراد بشر همیشه جرأت و پردلی و عظمت روح، بزرگی قلب و شهامت روانی را دوست داشته‌اند و در همین‌هاست که آزادی و عدالت هرگز به نیروی ظلم و فساد تسلیم نمی‌شود. این بود شهامت و این بود عظمت امام حسین (ع)؛ من مسرورم که با کسانی که این فداکاری عظیم را از جان و دل ثنا می‌گویند شرکت کرده‌ام، هرچند که ۱۳۰۰ سال از تاریخ آن گذشته است.

واشنگتن ایروینگ (مورخ مشهور آمریکایی):

برای امام حسین (ع) ممکن بود که زندگی خود را با تسلیم شدن اراده یزید نجات بخشد، ولی مسئولیت پیشوا و نهضت بخش اسلام اجازه نمی داد که او یزید را به عنوان خلافت بشناسد. او به زودی خود را برای قبول هر ناراحتی و فشاری به منظور رها ساختن اسلام از چنگال بنی امیه آماده ساخت. در زیر آفتاب سوزان سرزمین خشک و در ریگهای تفتیده، روح حسین (ع) فناپذیر است. ای پهلوان و ای نمونه شجاعت و ای شهسوار من، ای حسین (ع).

توماس ماساریک:

گر چه کشیشان ما هم از ذکر مصائب مسیح مردم را متأثر می سازند، ولی آن شور و هیجانی که در پیروان حسین (ع) یافت می شود در پیروان مسیح یافت نخواهد شد و گویا سبب این باشد که مصائب مسیح در برابر مصائب حسین (ع) مانند پرکاهی است در مقابل یک کوه عظیم پیکر.

ماربین آلمانی (خاورشناس):

حسین (ع) با قربانی کردن عزیزترین افراد خود و با اثبات مظلومیت و حقانیت خود، به دنیا درس فداکاری و جانبازی آموخت و نام اسلام و اسلامیان را در تاریخ ثبت و در عالم بلند آوازه ساخت. این سرباز رشید عالم اسلام به مردم دنیا نشان داد که ظلم و بیداد و ستمگری پایدار نیست و بنای ستم هر چه ظاهرا عظیم و استوار باشد، در برابر حق و حقیقت چون پرکاهی بر باد خواهد رفت.

آنتوان بارا (مسیحی، کتاب: حسین در اندیشه مسیحیت).

من در مورد زندگی و حرکت حسین (ع) بیشتر به بعد انقلابی شخصیت ایشان شیفته شده ام. آن حضرت در مراننامه قیام خود اعلام می کند: «انی لم اخرج اشرا ولا بطرا ولا مفسدا ولا ظالما انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی»؛ من از روی هوسرانی و خوشگذرانی و برای افساد و ستمگری قیام نکرده ام بلکه قیام من برای اصلاح در امت جدم و برای امر به معروف و نهی از منکر و حرکت براساس سیره جد و پدرم است. این روح انقلابی می تواند کار معجزه آسا بکند اگر هر انسانی در هر زمان و مکان از آن برخوردار باشد و ما در سالهای پیروزی انقلاب و عزت و افتخارات اخیر در ایران شاهد بودیم مردم و رهبران این کشور براساس این فلسفه حرکت خود را آغاز و با ظلم و استکبار مخالفت کردند و با تمام قدرت در برابر آن قیام نمودند. بعد دیگر شخصیت امام حسین (ع) که مرا شیفته خود کرده، تواضع ایشان در کنار روح انقلابی است این دو خصیصه نمی تواند در یک شخص جمع شود. تواضع از صفات و ویژگیهای برگزیدگان خداست او در عین احساس عزت و آزادگی و سرافرازی در برابر دشمنان، تواضع خاص خود را دارد. این بعد عظیمی است که از ویژگی امام بشمار می رود.

حماسه حسین (ع) تنها مختص سنی و شیعه و مسلمان نیست بلکه متعلق به هر مومن است؛ چنان که در حدیث آمده «ان لقتل الحسین حراره فی قلوب المؤمنین لاتبرد ابدا».

در این حدیث نگفته فی قلب المسلم. بلکه هر انسان آزاده ای که به راه و رسم حسین ایمان دارد را شامل می‌شود. از این رو، جهانیان و اندیشمندان وقتی از سیره حسین آگاه می‌شوند شیفته آن می‌گردند. همان‌طور که شیفته راه و مسلک علی ابن ابی طالب (ع) شده‌اند.

وی، تشیع را بالاترین درجات عشق الهی معرفی می‌کند و امام حسین (ع) را فقط متعلق به شیعه یا مسلمانان نمی‌داند بلکه متعلق به همه جهانیان می‌داند و او را با عبارت «حسین گوهر ادیان» معرفی می‌کند و در پایان، سخنش را با این عبارت به انتها می‌رساند که «حسین علیه السلام در قلب من است. بنت الشاطی (نویسنده مصری):

زینب، خواهر حسین (ع) لذت پیروزی را در کام ابن زیاد و بنی امیه تلخ کرد و در جام پیروزی آنان قطرات زهر ریخت، در همه حوادث سیاسی پس از عاشورا، همچون قیام مختار و عبدالله بن زبیر و سقوط دولت امویان و برپایی حکومت عباسیان و ریشه دواندن مذهب تشیع، زینب، قهرمان کربلا نقش برانگیزنده داشت.

عباس محمود عقاد (نویسنده و ادیب مصری):

جنبش حسین (ع)، یکی از بی نظیرترین جنبشهای تاریخی است که تاکنون در زمینه دعوت‌های دینی یا نهضت‌های سیاسی پدیدار گشته است ... دولت اموی پس از این جنبش، به قدر عمر یک انسان طبیعی دوام نکرد و از شهادت حسین (ع) تا انقراض آنان بیش از شصت و اندی سال نگذشت



هویت اربعین حسینی در منظومه فکری شهید آیت الله خامنه‌ای (ره) (قسمت دوم)

اربعین حسینی، یک موضوع پیچیده و چندبعدی است که از جنبه‌های مختلف قابل بررسی و تحلیل است. برخی از کارکردهای اربعین حسینی را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

الف) کارکرد عقیدتی

اربعین حسینی، نمادی از عشق و وفاداری به امام حسین (علیه السلام) و خاندان پاکش است. زائران اربعین، با زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) و شهدای کربلا، از آنها توسل می‌جویند و پیوستگی خود را ابراز می‌کنند. زیارت اربعین، یک زیارت با ارزش است که بنابر روایت از امام صادق (علیه السلام)، یکی از نشانه‌های مؤمنان است. «در زیارت اربعین می‌خوانیم: «حسین بن علی، جان و خون خود را در راه تو داد؛ تا بندگان تو را از جهل نجات دهد؛ و آنها را از سرگردانی ناشی از ضلالت و گمراهی برهاند». (اما در) «نقطه مقابل، کسانی بودند که دنیای مادی، زخارف دنیایی و هواهای نفسانی، از خود بی خودشان کرده بود؛ سهمی را که خدای متعال برای هر انسانی در آفرینش عظیم خود قرار داده است، به بهای پست و ناچیز و غیر قابل اعتنایی فروختند» (حسینی خامنه‌ای، ۲۶ / ۰۱ / ۱۳۷۹).

ب) کارکرد تاریخی

اربعین حسینی، یک رویداد تاریخی است که در آن دو اتفاق مهم رخ داد: بازگشت اسیران کربلا به مدینه پس از سفر سخت و دراز به شام، و زیارت جابر بن عبدالله انصاری به عنوان نخستین زائر قبر امام حسین (علیه السلام). همچنین بنابر قول مشهور، سر امام حسین (علیه السلام)، در روز اربعین به بدنش در کربلا ملحق شد.

ج) کارکرد فرهنگی

اربعین حسینی، یک پدیده فرهنگی است که نشان دهنده همبستگی، همدلی، هم‌زبانی و هم‌فکری شیعیان در سراسر جهان است. پیاده روی اربعین، گسترده‌ترین مظهر عزاداری شیعیان بوده و در زمره بزرگترین اجتماعات مذهبی جهان قرار گرفته است. در پیاده روی اربعین، ملل و اقوام مختلف با فاصله‌های جغرافیایی و تفاوت فکری و عقیدتی، با هم به سوی کربلا حرکت می‌کنند و با عزاداری، چشم انداز جامعه حسینی را نشان می‌دهند.

د) کارکرد سیاسی

اربعین حسینی، یک پدیده سیاسی است که نشان دهنده مقاومت، شجاعت، شور و شوق شیعیان برای دفاع از حق و عدالت است. اربعین حسینی، یک پیام جهانی دارد و آنکه، جهان اسلام، هرگز ستم بر فرودستان جامعه را نمی‌پذیرد. اربعین، اعتراض به نظام‌های ستمکار و ظالم است و نشان می‌دهد که شیعیان و مسلمانان همواره در صحنه حضور دارند و با الهام از امام حسین (علیه السلام)، برای تحقق ارزش‌های اسلامی و انسانی مبارزه می‌کنند. در ذیل به برخی از کارکردهای اربعین حسینی در منظومه فکری امام خامنه‌ای اشاره می‌شود:

۱. احیای ارزش‌ها و شعائر الهی در اربعین حسینی

یکی از کارکردهای اربعین احیای ارزش‌ها و شعائر الهی و کربلای حسینی است. همان چیزی که دشمن سعی دارد آنها را از یادها ببرد: «این حرکت به معنای این است که نبیلید اجازه داد انگیزه‌های خبلثت آلودی که قصد دارند مقاطع عزیز و اثرگذار و مهم را از یادها ببرند، موفق بشوند؛ البته موفق هم نخواهند شد (حسینی خامنه‌ای، ۱۷/ ۱۰/ ۱۳۹۳).

۲. حفظ دستاوردهای فرهنگ شهادت

از آثار پیاده روی اربعین، حفظ خاطره شهادت در برابر طوفان تبلیغات است. امام‌المسلمین فرمود: اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله و سلم، یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه و این کار پایه‌گذاری شد. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی، در حوادث گوناگون به حفظ یاد و آثار شهادت کمر نبندند، نسل‌های بعد، از دستاورد شهادت استفاده زیادی نخواهند برد... به همان اندازه که مجاهدت حسین بن علی (علیه السلام) و یارانش به عنوان صاحبان پرچم، با موانع برخورد داشت و سخت بود، به همان اندازه نیز مجاهدت زینب علیها السلام و مجاهدت

امام سجّاد (علیه السلام) و بقیه بزرگواران، دشوار بود... درسی که اربعین به ما می دهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطره شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگهداشت (حسینی خامنه ای، ۲۹/۰۶/۱۳۶۸).

۳. اربعین، رسانه پر قدرت عاشورا

از روز عاشورا تا روز اربعین، چهل روز فرمانروایی منطق حق در میان دنیای ظلمانی حاکمیت بنی امیه و سفیانی ها بود. رسانه حقیقی [یعنی] فریاد زینب کبری، فریاد حضرت سجّاد؛ در آنجایی که ظلمات محض بود؛ اینها بزرگ ترین رسانه بود. همین ها بود که عاشورا را نگه داشت. تاریخ و ریشه روز اربعین و ماجرای اربعین این است (حسینی خامنه ای، ۲۱/۰۷/۱۳۹۸).

۴. تحقق اهداف عاشورا در اربعین حسینی

از زیارت اربعین ماجرای توأیین به وجود آمد؛ اگرچه ماجرای توأیین سرکوب شد؛ اما بعد با فاصله کوتاهی ماجرای قیام مختار و بقیه آن دلاوران کوفه اتفاق افتاد، و نتیجه در هم پیچیده شدن دو دستان بنی امیه ظالم و خبیث بود. البته بعد از او سلسله مروانی ها آمدند؛ اما مبارزه ادامه پیدا کرد؛ رامباز شد. این خصوصیت اربعین است. یعنی در اربعین افشاگری و عمل هم هست (حسینی خامنه ای، ۲۸/۱۱/۱۳۸۷).

یکی از بزرگ ترین نهضت های شیعه در دوران تاریخ خلفای بنی عباس، نهضت «ابن طباطبا» است. نهضتی عجیب به راه انداخت و پیروز شدند. بخش مهمی از عالم اسلام را قبضه کردند، حکومت تشیع و حکومت علوی را سر پا کردند.. اوّل که خواستند شروع کنند، با «ابوالسّرایا» و همه آن شیعیانی که همراه شان بودند به کربلا آمدند، سر قبر حسین بن علی (علیه السلام) پیمان برادری و وفاداری بستند (حسینی خامنه ای، ۲۴/۱۲/۱۳۵۲).

۵. اربعین حسینی، نماد حضور پیروان اهل بیت علیهم السلام

می دانید یکی از علائم ایمان زیارت اربعین است؟ شیعه یک جمع متفرقی بود اما مثل دانه های تسبیح، یک رشته و یک نخ، همه اینها را به هم وصل می کرد. آن رشته چه بود؟ رشته اطاعت و فرمان بری از مرکزیت تشیع، از رهبری عالی تشیع یعنی امام... ممکن بود دو نفر از حال هم خبر نداشته باشند، اما بودند کسانی که از حال همه باخبر بودند. فقط کار آنها یک عیب داشت و آن اینکه همدیگر را کمتر می دیدند. اهل یک شهر و شیعیان یک منطقه، البته یکدیگر را می دیدند، اما یک کنگره جهانی لازم بود برای شیعیان روزگار ائمه علیهم السلام. این کنگره جهانی را معین کردند، وقتش را هم معین کردند؛ گفتند در این موعد معین، در آن کنگره هر کس بتواند شرکت کند. آن موعد، روز اربعین است؛ و جای شرکت، سرزمین کربلا است؛ چون روح شیعه روح کربلائی و عاشورائی است (حسینی خامنه ای، ۲۴/۱۲/۱۳۵۲).

»

یادآوری خاطره عاشورا و آن جهاد و از خودگذشتگی و فداکاری عظیم، در روز اربعین انجام می گرفته است. اگر امروز هم بتوانند شیعیان، آن سرزمین پاک و مقدس را چنین میعاد میعاد قرار بدهند، بسیار کار جالبی خواهد بود و هم دنباله گیری راهی است که ائمه هدی علیهم السلام به ما ارائه دادند... بنابراین، مسئله اربعین، یک مسئله مهم است (حسینی خامنه ای، ۲۴/ ۱۲/ ۱۳۵۲).

خوشایبه حال آن کسانی که در حال پیاده روی هستند یا پیاده روی خواهند کرد و به زیارت اربعین خواهند رسید و آن زیارت خوش مضمون روز اربعین را این شاءالله خطاب به حضرت خواهند خواند.. الحمدلله جوان های ما راه را پیدا کردند و میلیون ها نفر از مردم ما و مردم غیر ما، مردم عراق و دیگران، در این راه حرکت می کنند، این هم یکی از حوادث بسیار برجسته ای است که خدای متعال منت گذاشته بر ما و این حادثه را برای ما خلق کرده است. این شد یک نماد. اما این حرکت عظیم که نماد بسیار زیبا و پرشکوهی از حضور پیروان و علاقمندان اهل بیت علیهم السلام است، ما این را نداشتیم، این را خدای متعال در اختیار ما گذاشت (حسینی خامنه ای، ۱۵/ ۰۸/ ۱۳۹۶).

۶. راهپیمایی اربعین، شکوه اقتدار اسلامی

امروزه یکی از مصادیق قوت را دنیای اسلام دارد و آن، راه پیمایی اربعین است؛ و اَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ. راه پیمایی اربعین قوت اسلام و حقیقت است، قوت جبهه مقاومت اسلامی است که این جور اجتماع عظیم میلیونیه سوی کربلا راه می افتند، به سمت حسین، به سمت قلّه و اوج افتخار فداکاری و شهادت که همه آزادگان عالم باید از او درس بگیرند (حسینی خامنه ای، ۲۱/ ۰۷/ ۱۳۹۸).

۷. پیاده روی اربعین، موهبت بزرگ الهی

پاداشی که خدای متعال به شهید معمولی می دهد: «أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ! وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ»؛ حال اجر شهیدی مثل حسین بن علی (علیه السلام) که شهادت او قابل مقایسه با هیچ شهادتی نیست...: «وَ إِبَاقَةُ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِه»؛ در کنار قبر حسین بن علی (علیه السلام) شما دعا کنید، دعایتان مستجاب است. [واقعاً] دعا کنید؛ لقلقه لسان نباشد؛ بخوانید و بخواهید خدا را، خدای متعال وعده کرده است که اجابت خواهد کرد. از جمله اجرها در برابر شهادت امام حسین (علیه السلام) این است: «اگر خدای متعال مثلاً ده هزار روز به شما عمر داده باشد، این چند روزی که در حال رفت و آمد به سمت قبر این بزرگوار هستید، جزو اینها حساب نمی شود؛ این اضافه بر آن تعداد روزهایی است که خدای متعال مقدر کرده که عمر شما باشد (حسینی خامنه ای، ۰۱/ ۰۷/ ۱۳۹۸).

۸. گسترش معرفت حسینی، با گردهمایی اربعین حسینی

ما نه فقط در دوران خودمان، بلکه در تاریخ نیز چنین اجتماعی [اجتماع اربعین حسینی] را سراغ نداریم. چنین حرکتی که هر سال، و هر سال گرم تر از سال قبل اتفاق بیفتد؛ بی نظیر است. این حرکت حسینی [پیاده روی اربعین] در گسترش معرفت به امام حسین (علیه السلام) نقش دارد. اربعین با این حرکتی که

عمدتاً بین نجف و کربلا در راه پیمایی هر سال به وجود می‌آید بین المللی شد؛ چشم‌های مردم دنیا به این حرکت دوخته شد؛ امام حسین (علیه السلام) و معرفت حسینی به برکت این حرکت عظیم مردمی بین المللی شد (حسینی خامنه‌ای، ۲۷/ ۰۶/ ۱۳۹۸). امروز در دنیای پیچیده پُرهیاهویی که بر بشریت حاکم است، حرکت اربعین، یک فریاد رسا و یک رسانه بی‌همتا است. در دنیا چنین چیزی وجود ندارد، اینکه میلیون‌ها انسان راه می‌افتند، نه فقط از یک شهر یا یک کشور [بلکه] از کشورهای مختلف، و نه فقط از یک فرقه اسلامی [بلکه] فرقه‌های مختلف اسلامی و حتی بعضی ادیان غیر اسلامی (حسینی خامنه‌ای، ۲۱/ ۰۷/ ۱۳۹۸).

۹. نشر معارف حسینی با پیاده روی اربعین

ما امروز احتیاج داریم که حسین بن علی (علیه السلام) را به دنیا بشناسانیم... امروز با صدها وسیله علیه اسلام و علیه معارف اسلامی تبلیغ می‌شود؛ در مقابل این حرکت خصمانه جبهه کفر و استکبار، حرکت معرفت حسینی می‌تواند یک تنه سینه سپر کند، بایستد و حقیقت اسلام و قرآن را، به دنیا معرفی کند. منطق حسین بن علی (علیه السلام)، منطق دفاع از حق است، منطق ایستادگی در مقابل ظلم و طغیان و گمراهی و استکبار است. امروز دنیا شاهد حاکمیت کفر و استکبار و حاکمیت فساد است. این پیام امام حسین (علیه السلام) پیام نجات دنیا است (حسینی خامنه‌ای، ۲۷/ ۰۶/ ۱۳۹۸).

۱۰. پاسخی به نیاز دنیای اسلام

حماسه اربعین یک پدیده فوق‌العاده‌ای است که به لطف و فضل الهی در هنگامی که دنیای اسلام نهایت نیاز را به این چنین حماسه‌ای دارد، به وجود آمده است (حسینی خامنه‌ای، ۱۲/ ۰۷/ ۱۳۹۷). پدیده اربعین، یک پدیده غیر قابل توصیف است، یک رزمایش عظیم و شگفتی‌ساز است. غربی‌ها نمی‌توانند درک کنند که یعنی چه، چطور می‌شود؟ از این رو، شما می‌بینید دستگاه‌های تبلیغاتی شان اولاً چند سال که سکوت می‌کنند، «توطئه سکوت»؛ چند سال اشاره‌ای به آن نکردند، تصویری از آن منتشر نکردند... تحلیل‌های خصمانه و تحلیل‌های غلط کردند که از نظر مؤمنان به این راه، تحلیل‌های بلاهت آمیزی است. امثال این رادیوی انگلیس و امثال اینها تحلیل خصمانه کردند. این نشان‌دهنده این است که فوران این سرچشمه فیاض، به شدت آنها را دستپاچه کرده، نمی‌توانند تحلیلش کنند (حسینی خامنه‌ای، ۱۲/ ۰۸/ ۱۳۹۷).

۱۱. الگوی دستیابی امت اسلام به عزت اسلامی

ببینید چه حرکت عظیمی اتفاق افتاد! (اربعین حسینی). وقتی حتی جسم‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند، این جور انعکاس پیدا می‌کند. اگر ما با هم باشیم، کشورهای اسلامی، ملت‌های مسلمان سنی و شیعه و فرقه‌های مختلف تسنن و تشیع با یکدیگر دل‌هایشان صاف باشد، نسبت به یکدیگر سوءظن نداشته باشند، به یکدیگر اهانت نکنند، ببینید در دنیا چه اتفاقی خواهد افتاد؛ چه عزتی برای اسلام درست خواهد شد! وحدت؛ وحدت (حسینی خامنه‌ای، ۱۹/ ۱۰/ ۱۳۹۳).

۱۲ اربعین حسینی، مایه شرف و آبروی اسلام

اگر ملت‌های کشورهای اسلامی در همه این منطقه وسیع نه در جزئیات، [بلکه] در جهتگیری‌های کلی با یکدیگر همراه باشند، دنیای اسلام به اوج ترقی و تعالی خواهد رسید... هر جا نمونه‌هایی از این اجتماع را مشاهده کردیم، انعکاس آن در دنیا مایه شرف و آبروی اسلام و مسلمین شد. شما ملاحظه کردید در اربعین حسینی میلیون‌ها انسان در کنار هم قرار گرفتند؛ خود این حرکت عظیم جمعی از مسلمان‌ها، که در دنیا انعکاس پیدا کرد، تعظیم کردند؛ تجلیل کردند. آن را بزرگترین گردهمایی عالم به حساب آوردند (حسینی خامنه‌ای، ۱۹/ ۱۰/ ۱۳۹۳).



کارکردهای سیاسی اجتماعی و فرهنگی اربعین حسینی (قسمت دوم)

آیین‌های اجتماعی به حکم کارکردهایی که در زندگی آدمیان دارند، تداوم، گسترش و ملنگاری می‌یابند. در این میان آیین‌های مذهبی چون نقش و کارکرد مؤثرتر و پاسخ‌گوتری دارند، بیش از دیگر سنت‌ها مورد اقبال و توجه مردم واقع می‌شوند. آیین‌های عاشورایی یا حسینی در فرهنگ شیعی از این مقوله است که به حکم کارکرد بنیادین و پاسخ‌گویی به نیازهای فکری فرهنگی، روز به روز شکوفاتر و گسترده‌تر می‌شود. آیین‌های بزرگداشت اربعین حسینی یکی از آن سنت‌های عاشورایی است که نه فقط در زمان تعریف شده، بلکه در مکان ویژه و به شیوه خاصی در کانون توجه قرار می‌گیرد و هر ساله بر شکوه و عظمت آن افزوده می‌شود؛ به گونه‌ای که بر اساس آماری، شمار افرادی که در سال جاری برای بزرگداشت اربعین در سرزمین کربلا حضور یافتند، حتی از بزرگ‌ترین سنت اسلامی یعنی حج بیت‌الله الحرام نیز بیشتر بود. اما به راستی این آیین چه کارکردی دارد یا باید داشته باشد؟

بی‌تردید اربعین حسینی یکی از باشکوه‌ترین و عظیم‌ترین مراسم شیعی است که هم به صورت زنده و پویا در حیات اجتماعی جریان دارد و هم منشأ تحولات و هنجارآفرینی فراوانی در کنش‌های فردی و اجتماعی شده است. البته آنچه مراسم و مناسک را در حیات اجتماعی جامعه شیعی از دیگر جوامع متمایز می‌سازد، نه وجود مراسم و مناسک، بلکه ویژگی‌هایی از قبیل گستردگی، ایجاد تجدید حیات و انسجام اجتماعی، تأثیرگذاری، هنجارآفرینی و نقش‌آفرینی در کنش‌های فردی و اجتماعی و... است. تا آنجا که می‌توان گفت کمتر فعالیت اجتماعی به وسعت مراسم و مناسک دینی در حیات اجتماعی، سیاسی و... ما حضور دارد و تأثیرگذار است. برگزاری اربعین حسینی به عنوان یکی از شعائر اسلامی کارکردهای متعددی پیدا می‌کند از جمله: الگوسازی، تقویت حافظه فرهنگی امت، کمک به ایجاد ارتباط و رفتار جمعی، توسعه هنر مذهبی و... .

از کارکردهای اجتماعی اربعین می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) انسجام اجتماعی (تقویت روح جمع گرایی): امروزه فردگرایی، دیدگاه غالب در جهان است. اما آیین هایی مانند اربعین به تقویت روح جمعی کمک شایانی می کند. هم گراسازی افراد جامعه با یکدیگر، از دیگر کارکردهای آیین هاست که بیش از هر سنت دیگری تأثیرگذار است. از این رو نباید به ضد خود مبدل شده و مایه تفرق و دشمنی و نابسامانی اجتماعی شود. نقش تلاثمی آیین ها از کارکردهای اساسی در جوامع اند.

ب) تألیف قلوب و تقویت روح اخوت: همدلی در پرتو ذوب لنانیت ها و لغو همه تمایزات (قومی، ملی، شغلی، تحصیلی و...) و حذف همه مرزها و فاصله ها، از دیگر کارکردهای اجتماعی اربعین است. البته اربعین کارکردها و آثار پنهان و آشکار فراوانی دارد که یکی از آثار آشکار آن، ایجاد الفت بین افراد است.

ج) تقویت ارتباطات و مناسبات انسانی: چنین ارتباطاتی که بر پایه محبت، صمیمیت، تلاف، ایثار، انفاق و تعاون انجام می گیرد نیز جزو کارکردهای اجتماعی اربعین است.

د) الگوسازی: یکی از کارکردهای بسیار مؤثر هیئت های مذهبی، الگوسازی مبتنی بر دین باوری و رعایت هنجارها، ارزش ها و اخلاقیات است. افراد با حضور در دسته جات، تکایا و حسینیه ها و استماع احادیث و درس های اخلاقی و گوش دادن به آیات الهی و اشعار مداحان در مدح و ثنای اهل بیت: به صورت علمی و کاربردی (تعلیم و تربیت)، به فرهنگی راه می برند که مبنای آن رعایت معنویات، اخلاقیات، اصول و مبانی انسانی، خودشناسی و خداشناسی است. این کارکرد، انسان را برای رسیدن به هویت مذهبی و حیات دینی کمک می کند.

ه) تربیت اخلاقی: اخلاق اجتماعی از کارکردهای دیگر راهپیمایی اربعین است و خیرات و صدقات از مظاهر آن محسوب می شود. بنابراین طبق آیه قرآن، به پا داشتن شعائر الهی و اخلاقیات اجتماعی، تقوای قلب و باورهای معنوی را در دل انسان ها نهادینه می کند.

و) جهان اندیشی: در بند مسائل جزئی نبودن از کارکردهای راهپیمایی اربعین است؛ چنان که طبق تنها گزارش غربی از اربعین در یکی از خبرگزاری های کشور آلمان، در این راهپیمایی، اغلب مذاهب اسلامی و ادیان مختلف اعم از مسیحی، صابئی، ایزدی و از شصت کشور حضور داشته اند؛ زیرا سیدالشهدا علیه السلام با همه مسلمانان و حتی ادیان الهی پیوند دارد؛ چراکه سالار شهیدان علیه السلام میراث بر قرآن، تورات، انجیل، زبور و دیگر ادیان آسمانی است.

ز) تعالی جویی و فضیلت طلبی: یکی دیگر از کارکردهای مراسم اربعین، مساعدت، بسترسازی و کمک به انسان ها برای تعالی جویی و فضیلت طلبی است. در این نهاد مذهبی که ملاک تفوق و برتری، صرفاً عشق و علاقه به اهل بیت: و رعایت شرع مقدس اسلام و دستورهای الهی است، افراد در کنار هم جمع شده، با فعالیت های خداپسندانه تلاش می کنند تا مسیر تعالی را بیمایند.

ح) کنترل غیر مستقیم انسان‌ها: از دیگر کارکردهای اجتماعی مؤثر اربعین کنترل غیر مستقیم جامعه و افزایش حال و هوای معنوی است. در بررسی‌ها نشان می‌دهد که در ایام و مناسبت‌های اسلامی، به خصوص در ماه‌های محرم، صفر و رمضان، انسان‌ها کمتر دچار وسوسه هوای نفس می‌شوند. حتی بزه‌کاران و مجرمین نیز بعضاً در این ایام از فعالیت‌های غیراخلاقی و انحراف آمیز خود می‌کاهند و به سوی معنویات روی می‌آورند.



نظر دکتر مجیب سعد در رابطه با اربعین حسینی

”پیاده‌روی اربعین زمینه‌ساز حکومت مهدوی

دکتر مجیب سعد استاد معارف اسلامی دانشگاه کربلا اظهار کرد: اگر روایات را مورد بررسی دقیق قرار دهیم، مشخصات حرکت امام حسین(ع) را در حکومت مهدوی می‌بینیم.

وی تکامل روحیه انسانی و ترک لذت‌های زودگذر را یکی از جلوه‌های پیاده‌روی اربعین حسینی(ع) ذکر کرد که این ویژگی در حکومت مهدوی نیز جلوه‌گر خواهد شد.

این استاد دانشگاه بابیان اینکه همه امور زیارت اربعین را در حکومت مهدوی می‌بینیم، تأکید کرد: در پیاده‌روی و زیارت اربعین هیچ فقر و ناامنی دیده نمی‌شود و کسی غذا را نزد خود نگه نمی‌دارد و اتفاق

سال اول / شماره دوم / مرداد ۱۴۰۵
می‌کند. این شاخصه را در حکومت مهدوی می‌بینیم که هیچ‌کسی فقیر نخواهد بود و هیچ شخصی، غذا را برای خود نگهداری نمی‌کند.

وی افزود: در جریان اربعین، اگر زائر در خلنه مهمان‌پذیر داخل شود به راحتی غذا می‌خورد و می‌خولبد در حالی‌که هیچ دیناری درازای این خدمات پرداخت نمی‌کند و این فرهنگ را در حکومت مهدوی شاهد خواهیم بود.

مجیب سعد بایان اینکه پیاده‌روی اربعین در اخلاق انسان اثر می‌گذارد، با ذکر مثالی در این مورد گفت: کسی که اهل تنبلی و کسالت باشد در جریان اربعین حسینی پر جنب و خروش است. بنابراین ضمیر انسان ضابط کامل این شخص می‌شود که همه قوانین و امور را درک کند.

وی معتقد است که وقتی انسان به پیاده‌روی اربعین می‌رود ذات خود را فراموش می‌کند و در مقابل خودش فقط خدا را می‌بیند.

این استاد معارف اسلامی، اقامه نماز اول وقت را جلوه دیگری از ارزش‌های پیاده‌روی اربعین حسینی (ع) ذکر کرد که این شاخصه در حکومت مهدوی وجود خواهد داشت.

وی از اینکه بعد از اربعین حسینی ممکن است همه دگرگونی‌های حاصل‌شده برگردد، ابراز تأسف کرد و افزود: بلید روش‌هایی را طی کنیم که خلوص و اموری که در روزهای اربعین طی می‌شود بعد از اربعین ادامه یابد.

این استاد دانشگاه کربلا استفاده از فرصت پیاده‌روی اربعین برای زمینه‌سازی ظهور حضرت امام زمان (ع) را مهم دانست و تأکید کرد: دعای میلیون‌ها زائر حسینی قطعاً در ظهور امام زمان (عج) تأثیر دارد



اربعمین با رویکرد منسک‌شناسی (قسمت دوم)

۱ انواع مناسک اجتماعی

مناسک اجتماعی در قواره قومی

قوم و قومیت لایه‌ای هویتی است که گروهی را از گروهی دیگر جدا می‌نماید. عواملی چون هویت و همبستگی جمعی متکی بر عوامل انتسابی چون جد مشترک، زبان، رسوم، سیستم عقاید و اعمال و در برخی موارد نژاد یا رنگ قوم را شکل می‌دهند. گروهی با سنت فرهنگی مشترک و احساس هویتی که آن را به عنوان یک گروه فرعی از یک جامعه بزرگ تر مشخص می‌کند. اعضای هر گروه قومی از لحاظ ویژگی‌های فرهنگی از سایر اعضای جامعه خود متمایز هستند (نقیب زاده، ۱۳۶۹، ص ۴۷ و ۳۱)

اقوام گوناگون دارای نظام عقیدتی و ارزشی خاصی هستند که خارج از چارچوب قومیتی آنان فهم نمی‌شود و یا ضرورتی برای فهم آن وجود ندارد و تنها آن نظام ارزشی در چارچوب هویت قومی قابل تعریف است. بنابراین این نظام ارزشی مختص قومیتی خاص است که در تلاش اند در رویکردی سنتی و قبیله‌گرایانه آن را حفظ و تقویت نمایند.

یکی از ابزارهای مؤثر در حفظ و ترویج ارزش‌های قومی، مناسک جمعی هستند که اقوام در چارچوب قومی خود تعریف می‌نمایند و اهل قوم به واسطه شرکت فعال در آنان، هویت قومی خویش را

تمرین و تصدیق می‌نمایند و جامعه‌پذیری قومی را زمینه‌ساز می‌شوند. البته روشن است که این دست از مناسک اجتماعی قومی در قالب نظام قومیتی خویش فهم می‌گردد و افراد خارج از آن قوم زمینه‌ای برای برقراری ارتباط را با این دست از مناسک جمعی ندارند.

مناسک اجتماعی در قواره ملی

تشکیل دولت – ملت‌ها به شکل امروزی و ایجاد یک لایه هویتی جدید به عنوان ملیت، بستری برای شکل‌گیری شبکه نوینی از روابط و بازتعریف روابط سنتی براساس چارچوب‌های هویتی نوین گردید. مفهوم دولت – ملت در شرایطی در غرب تکوین یافت که به صورت طبیعی و در فرآیند زمان بر بر دیگر لایه‌های هویتی غلبه کرده و اصلی‌ترین مبنای تصمیم‌گیری‌های جمعی گردید. هویت دینی و کلیسایی به سبب ضعف و ناکارآمدی دستگاه دین و در پی رنسانس دینی کم‌کم جای خود را به هویت‌های مدرن داده و به امری فردی و درونی تبدیل گردید که دیگر در تصمیمات اجتماعی مؤثر نیست. همچنین در مسیر تبدیل دولت‌های مطلقه به دولت‌های مدرن امروزی هویت‌های محلی، قومی، قبیله‌ای و حتی نژادی نیز کم‌رنگ گردیده و نهایتاً در چارچوب هویتی عام ترجه‌نام ملیت تعریف شدند.

مفهوم ملت پدیده‌ای تاریخی، سیاسی و فرهنگی است که محصول زندگی مشترک طولانی مردم است. ملت از لحاظ تاریخی با ثبات است و بنا به اراده دیگران بزرگ و کوچک نمی‌شود (عالم، ۱۳۸۰، ص ۱۵۸). به گروه و جامعه‌ای از مردمان اشاره دارد که دارای یک یا چند قومیت هستند و در یک سرزمین و تحت یک سیستم سیاسی واحد زندگی می‌کنند. (Webster, ۲۰۰۳, ۸۲۵)

همان‌طور که اشاره شد در اندیشه اجتماعی غرب، مناسک اجتماعی به منظور تقویت هویت جمعی و جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد و روشن است که این جامعه‌پذیری و هویت جمعی در الگوی نوین هویت «ملی» تعریف می‌شود. مناسک اجتماعی چون بزرگداشت روز استقلال، بزرگداشت رهبر ملی و... نشانه‌هایی از مناسک اجتماعی در قالب هویت ملی است که بیرون از مرزهای ملی خودش چندان شناخته شده و یا هویت بخش نیست.

مناسک اجتماعی در قواره زبانی

زبان مجموعه قواعدی است که یک نظام واحد را تشکیل می‌دهد و اهل یک زبان دانش مشترکی درباره آن دارند و همگان بر آن متفق‌اند و در درون به گفتن و نوشتن دست می‌زنند و اگر گوینده‌ای بیرون از این نظام زبانی گزینش کند، دچار گمراهی زبانی و هنجار ستیزی می‌شود (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۶۸).

زبان از دیرباز مرز یک هویت مشترک بوده و قبل از ایجاد هویت‌های دنیای مدرن همچون مرزهای ملی موجب تفکیک اهل یک زبان از زبان دیگر بوده است و مرزی تعیین‌کننده بوده است. اهل هر زبان

نیز همچون لایه‌های هویتی پیش‌گفته برای حفظ ماهیت هویتی خویش مناسکی جمعی را برپا می‌دارند که البته ارتباط جدی‌ای با قومیت و ملیت دارد، لکن هویتی کاملاً یکسان نیستند و کاملاً برهم منطبق نمی‌گردند. مناسک زبانی نیز در مرز زبانی خاص محدود است، همچون بزرگداشت مفاخر ادبی و زبانی قومی مشخص، که این نوع از مناسک زبانی برای اهل آن زبان آشنا و برای غیر هم‌زبانان ایشان مبهم و غریبه است.

مناسک اجتماعی در قواره دینی

دین به معنای اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان، و دستورات عملی متناسب با این عقاید می‌باشد. از این روی، کسانی که مطلقاً معتقد به آفریننده‌ای نیستند و پیدایش پدیدهای جهان را تصادفی و یا صرفاً معلول فعل و انفعالات مادی می‌دانند «بی‌دین» نامیده می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۱۱). دین داری و بی‌دینی مرزی روشن از یک لایه هویتی است که میان انسان‌ها تمییز ایجاد می‌کند و مشخصاً انسان معتقد به دین دارای نظام ارزشی، اعتقادی و هنجاری بسیار متفاوت و گاه متضاد با یک انسان بی‌دین است.

دین دارای مناسک اجتماعی بسیاری است که بنابر آن چه در قبل گفته شد هم موجب شناخت بیشتر دین‌داران نسبت به مفاهیم دینی می‌شود و هم موجب شکل‌گیری یک هویت جمعی میان معتقدان به یک دین از اقوام، ملیت‌ها و زبان‌های مختلف می‌گردد. به عنوان مثال مناسک حج یکی از بارزترین نمادهای مناسک اجتماعی اسلام است که بر تمامی لایه‌های هویتی دیگر غلبه می‌یابد و موجب شکل‌گیری وحدت هویتی مسلمانان می‌شود. گرچه دین و دین‌دارای هویتی گسترده و بسیار فراگیر است و مرزی گسترده‌تر از لایه‌های هویتی پیش‌گفته دارد، لکن بین اهل آن دین و دیگران مرز هویتی ایجاد می‌کند. بنابراین مناسک اجتماعی آنان نیز برای اهل آن دین فهم می‌شود و غیرهم‌دینان، ارتباط جدی با مناسک اجتماعی ایشان برقرار نمی‌کنند. البته برخی از مناسک اجتماعی دینی به خصوص در دین مبین اسلام برای بسیاری از انسان‌های خارج از آن هم قابل فهم و درک است.